

## بررسی دو منبع حدیثی « کافی کلینی » و « صحیح مسلم » و « مقایسه توصیف خدا » در آن دو

سیدتقی کبیری\* - محمدعلی ربی پور\*\*

### چکیده

یکی از راههای مهم و اساسی پی بردن به جایگاه و ارزش منابع مختلف حدیثی و درصد اعتبار روایات مطرح شده در آنها، بررسی محتوای مطالب و کیفیت ارائه آنهاست. این نوشتار با هدف فوق، به مقایسه و بررسی بین دو منبع مهم شیعی و سنی (کافی کلینی و صحیح مسلم) پرداخته و برای رسیدن به مقصود، موضوع اساسی و مهم «توصیف خدا» را در این دو منبع حدیثی، مورد ارزیابی قرا ردا ده است.

در این مقاله با توجه به موضوع بحث، بیشتر به محتوا و متن احادیث تکیه شده است نه اسناد روایات.

واژگان کلیدی: توصیف خدا- صحیح- مسلم - کافی - کلینی

---

\* دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد خوی  
\*\* دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد تبریز

### شخصیت مسلم بن حجاج نیشابوری

مؤلف کتاب «صحیح مسلم»، ابوالحسن مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری است که در سال ۲۶۱ هجری قمری در نیشابور وفات کرده است. البته در تاریخ تولد و مدت عمر و تاریخ وفات ایشان اختلاف نظر وجود دارد.

از این خلکان نقل شده است: وفات مسلم در روز یکشنبه بیست و ششم ماه رجب سال ۲۶۱ واقع گردید و آن روز سن وی به پنجاه و پنج سال رسیده بود (سیری در صحیحین / ۵۴).

از ویژگیهای بارز مسلم، سفرهای مختلف او برای اخذ حدیث بود: وی برای این کار به حجاز، شام، عراق و بغداد مسافرت نمود. او در این سفرها، خصوصاً در سفر مکررش به بغداد از محضر استادان نامداری مانند «احمد بن حنبل»، «محمد بن اسماعیل بخاری» و «اسحاق بن راهویه» بهره مند گردید و احادیث زیادی را اخذ نمود.

علاقه مسلم به اخذ حدیث باعث گردید که حتی وقتی که بخاری از نیشابور تبعید گردید از ملازمت و همراهی بخاری دست بر ندارد.

مسلم در علوم مختلف نوشته‌های گوناگونی دارد که حافظ ذهبی، از حاکم نیشابوری برای وی بیست جلد کتاب نقل می‌کند. در میان آثار او، صحیح مسلم یا الجامع الصحیح اهمیت بیشتری دارد و علمای اهل سنت معتقدند که بعد از صحیح بخاری، بهترین کتابی است که در خصوص احادیث صحیح نوشته شده است.

### جایگاه «صحیح مسلم»

کتاب حدیثی «صحیح مسلم» در بین علمای اهل سنت جایگاه ویژه‌ای دارد. در بین کتب حدیثی که آنها معتقدند، این کتاب در ردیف دوم قرار دارد. «کاتب چلبی» می‌نویسد: «کتابهایی که در علم حدیث نوشته شده بیشتر از این است که شمرده شود و گذشتگان و حاضران اتفاق نظر دارند که صحیح‌ترین کتابها بعد از کتاب خدا، صحیح بخاری است، سپس صحیح مسلم، و آن‌گاه موطأ و بعد از اینها دیگر کتابهای ششگانه یعنی سنن ابی داود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه...»<sup>۱</sup>

همان طوری که بیان شد اهل سنت این کتاب را بعد از قرآن کریم از نظر صحت در ردیف دوم بعد از صحیح بخاری می دانند . نووی در این باره می گوید :

« اتفق العلماء رحمهم الله على ان اصح الكتب بعد القرآن العزيز الصحيحان البخاری و مسلم و تلقيهما الامه بالقبول ..... »<sup>۲</sup>

دانشمندان اهل تسنن در تعریف و تمجید صحیحین افراط نموده و حتی قصایدی درباره آنها سروده‌اند ، ابوالفتوح عجلی در مدح و ثنای صحیح مسلم گفته است :

صحیح القشیری ذا رتبه	فوق الثریا ، اذا ما اعتلت
فالفاظ مثل نورالریاض	سقیها السواری اذا ما سرت
واما المعانی فكالشمس تحت	السحاب الخریفی عند انجلت
فله دوله هذا الامام	ولله همته ان علت
عليه من الله رضوانه	فقد تمت مسعانه و انتهت <sup>۳</sup>

این تمجید افراطی به جایی می رسد که حافظ ابوعلی نیشابوری، در علم حدیث هیچ کتابی را صحیحتر از کتاب مسلم نمی داند « ما تحت اديم السماء اصح من كتاب مسلم بن الحجاج في علم الحديث. »<sup>۴</sup>

به همین علت عده معدودی چون ابوعلی حسین بن علی نیشابوری (استاد حاکم نیشابوری) و برخی از شیوخ اهل مغرب ، به تقدم این کتاب نسبت به صحیح بخاری قایل شده اند و صحیح مسلم را به جای صحیح بخاری ، صحیحترین کتاب بعد از قرآن دانسته‌اند.<sup>۵</sup> در هر حال دیدگاه « صحت اخبار و احادیث » کم و بیش نسبت به صحاح سته اهل سنت خصوصاً درباره صحیحین مطرح گردیده است . امام الحرمین می گوید :

« اگر کسی قسم بخورد که تمام احادیث صحیحین ، گفتار رسول خدا و مطابق با واقع است، سوگندش درست و کفاره بر ذمه او نمی آید؛ زیرا ، همه امت اسلامی بر صحت احادیث این دو مدرک بزرگ ، اتفاق دارند. »<sup>۶</sup>

البته در مقابل این نوع ادعاهای افراطی ، عده ای از علمای اهل تسنن نیز با واقع بینی به این نوع ادعاها پاسخ داده و رد نموده‌اند. همچنین بررسی روایات این کتاب نیز حاکی از آن است که ادعای صحت همه روایات این کتاب نمی تواند درست

باشد؛ زیرا وجود موارد متعددی از روایات نا صحیح به صورت آشکار دلیل این مدعاست. نووی در مقدمه شرح خود بر صحیح مسلم در این باره می نویسد :

« مسلم ، چنین ادعا نموده است که من در این کتاب ( صحیح ) احادیثی را ، که تنها از نظر من صحیح بودند، جمع آوری ننموده ام، بلکه روایاتی را در این کتاب گرد آورده ام که صحت تمام آنها مورد اتفاق همه فقها و علماست .» نووی، پس از نقل این جمله از مسلم می افزاید:

« اثبات این مدعا مشکل است؛ زیرا ، به طور قطع ، مسلم ، احادیث زیادی را در صحیح خود آورده که در صحت آنها اختلاف است؛ چون از کسانی نقل شده که در صحت آنها جای تردید و اختلاف است .<sup>۷</sup>» خطیب بغدادی از سعید بن عمر برزعی نقل می کند: من حضور ابوذرعه بودم. ناگاه صحیح مسلم را پیش او آوردند. ابوذرعه، آن را مطالعه می کرد، به حدیثی که مسلم آن را از اسباط بن نصر نقل نموده بود رسید، ابوذرعه گفت : این حدیث، چقدر از صحت به دور است.؟ سپس به راوی دیگری به نام « قطن» رسید و گفت : این از اولی بدتر است.<sup>۸</sup>»

شایان ذکر است که ابوذرعه ، یکی از بزرگان علم درایه و رجال شناسی و از استادان فن در رجال و علوم دیگر است. نووی در شان او می گوید: حفظ حدیث و مهارت در این فن به چهار تن اختصاص دارد و لاغیر، و ابوذرعه، یکی از آنان به شمار می رود.

بعضی از علما ، حتی برای اثبات ادعای خود مبنی بر وجود احادیث غیر صحیح در مسلم ، به شمارش آنها اقدام کرده اند . ابن حجر می گوید :

« حفاظ (اهل فن) به صد و ده حدیث صحیح بخاری، که سی و دو حدیث از آنها را مسلم نیز نقل کرده است، انتقاد و خرده گیری نموده و صحت آنها را نپذیرفته اند.<sup>۹</sup>»

صحیح مسلم ، ۸ جزء ، ۵۰ کتاب و ۱۲۰۵ باب دارد و تعداد احادیث آن با مکرات ۷۲۷۵ و بدون آنها ۴۰۰۰ است.<sup>۱۰</sup>

برای صحیح مسلم شروع و تعلیقات زیادی نوشته اند که، اهم آنها شرح مفصلی، است که « فاضل نووی » به نام « صحیح مسلم به شرح النووی نوشته است.»

یکی از نقاط قابل توجه این است که علی رغم اینکه مسلم معاصر با امام علی النقی (ع) و امام حسن عسکری (ع) بوده و مکرر به حجاز و عراق برای اخذ حدیث مسافرت نموده، ولی متأسفانه در محفل این دو بزرگوار حاضر نشده و از آنها علم اخذ نکرده است.

### « شخصیت محمد بن یعقوب کلینی »

مؤلف کتاب حدیثی « الکافی » مرحوم « ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی » است. در مقدمه اصول کافی آمده است که، در شرح حال و زندگی مرحوم کلینی مانند بسیاری از علما و محدثین سلف نقاط مبهم و نا معلومی باقی است. سال تولد کلینی معلوم نیست ، ولی وفاتش در سال ۳۲۸ یا ۳۲۹ هجری قمری بوده است و در کلین ( قریه ای است در ۳۸ کیلومتری جنوب غربی شهر ری ) شیخ و پیشوای شیعه بوده و سپس به بغداد سفر کرده و در آنجا هم به تدریس و فتوی اشتغال داشته است.

وی سفرای حضرت مهدی (عج) یعنی نواب خاص آن حضرت را درک کرده و احادیث و اخبار را از دست اولش اخذ کرده است .

در ستایش مرحوم کلینی از علماء نقلهای مختلفی شده است ، از جمله آنها عبارت است از :

۱- نجاشی : او در زمان خود، شیخ و پیشوای شیعه در ری بود، و حدیث را از همه بیشتر ضبط کرده و بیشتر از همه مورد اعتماد است.

۲- ابن طاووس : توثیق و امانت شیخ کلینی مورد اتفاق همگان است.

۳- ابن اثیر: او به فرقه امامیه در قرن سوم زندگی تازه ای بخشید و پیشوا و عالم بزرگ و فاضل و مشهور در آن مذهب است.

۴- ابن حجر عسقلانی : کلینی از رؤسای فضلالی شیعه در ایام مقتدر عباسی است. برای کلینی، تألیفاتی مختلفی ذکر کرده اند که در بین آنها « کتاب الکافی » مهمترین و با ارزش ترین اثر اوست که مدت بیست سال از عمر خود را با کمال اخلاص و مودت صرف کرده که در تمام این یازده قرن در میان صدها هزار کتاب اسلامی

مانند خورشید تابان درخشندگی نموده است و کمتر اثری از نظر ارزش و جایگاه به پای آن می‌رسد.

### جایگاه « الکافی »

علما و دانشمندان بزرگ و نوابغ علمی شیعه در طول قرنهای گذشته پیرامون حدیث، کتابها و نوشته‌های ارزشمندی را از خود بر جای گذاشته اند ولی با تمام این احوال، کتاب کافی، عظمت و ارزش خود را از لحاظ اهمیت و اعتبار حفظ کرده و امروز هم درباره آن به « معتبرترین کتاب بعد از قرآن » یاد می‌شود.

بعضی از علماء معتقدند که کتاب کافی برای امام زمان (عج) عرضه شده و آن حضرت نیز فرمودند: «الکافی کاف لشیعتنا»<sup>۱۱</sup>.

درباره انگیزه نگارش این کتاب توسط مرحوم کلینی، آورده‌اند:

«فردی (احتمالاً از شاگردانش باشد) به او نامه می‌نویسد و از اموری که درباره حدیث باعث اختلاف روایت و عدم اطمینان به آنها می‌شود، درخواست و شکایت می‌کند. لذا کلینی در پاسخ خواسته او بیان می‌کند:

از من تقاضا کردی کتابی بنویسم که شامل جمیع علوم دینی از گفتار امام باقر(ع) و امام صادق(ع) و سنتهای استواری که باید طبق آن عمل کرد، بوده باشد، سپس اضافه می‌کند؛ خدا را شکر می‌کنم که وسائل تألیف و تدوین چنان کتابی را که تقاضا کردی، آماده کرد و امیدوارم چنان که خواستی کرده باشد؛ زیرا نصیحت و خیرخواهی برادران دینی بر ما، لازم است.»<sup>۱۲</sup>

از امتیازات این کتاب این است که مؤلفش آن را در زمان نواب خاص امام زمان (عج) نوشته است. کلینی در کتاب کافی همه احادیث را جز اندکی، با تمام سلسله سند تا برسد به امام، ذکر می‌کند و گاهی صدر سند را حذف می‌نماید؛ زیرا، حدیث را از کتاب شخصی که او روایت نموده نقل کرده و سلسله سند در آن کتاب بوده است، یا به واسطه آنکه سند قبلاً به گذشته حواله کرده است. نهایتاً اینکه، در بیشتر موارد، اخبار متعارض را ذکر نکرده و تنها به ذکر روایاتی-که دلیل عنوان باب

است - اکتفا نموده و این خود دلیل بر این است که وی روایات ذکر شده را بر روایاتی که ذکر ترجیح داده است.

بعضی از بزرگان به ستایش کتاب کافی پرداخته اند که نشان از ارزش و جایگاه ویژه این کتاب است :

شیخ مفید می‌گوید: «کافی در ردیف جلیل‌ترین کتب شیعه و سودمندترین آنهاست<sup>۱۳</sup>» و محمد بن مکی شهید نیز می‌گوید: «کتاب کافی در علم حدیث است و امامیه مانندش را ننوشته اند.»

از فیض کاشانی نیز نقل شده است : «کافی شریفترین و کاملترین و جامعترین کتب است؛ زیرا که، در میان آنها شامل اصول و خالی از عیب و فضول است.»<sup>۱۴</sup> محمد امین استرآبادی در عظمت این کتاب می‌گوید: «ما از مشایخ و علمای خود سراغ نداریم و نشنیده‌ایم که در اسلام بالاتر یا هم‌تراز کافی کتابی نوشته شده باشد.»<sup>۱۵</sup> البته باید متذکر شد که علی‌رغم عظمت و جلالت و شان کتاب کافی در بین علما و دانشمندان ، در مورد صحت تمام احادیث آن ادعای خاصی نشده است. در مقدمه التحقيق مستدرک الوسائل از شهرستانی آمده است :

« مع جلاله قدره (الكافی) و علو شأنه بین الاصحاب ، لم یقل احد بوجوب الاعتقاد بكل ما فيه ، و لم یسم صحیحاً ، كما سمي البخاری و مسلم »<sup>۱۶</sup>

و حتی در مقابل کسانی که، چنین ادعایی را مطرح کرده‌اند یعنی (صحت تمام احادیث کافی) ، آیت الله العظمی خوئی در معجم الرجال خود آن را با استدلال رد می‌کند. از جمله عنوان می‌کند که در این کتاب روایاتی وجود دارد که به طور یقین از معصوم نقل نشده است و نمونه‌هایی را نیز ذکر می‌کند.

همچنین می‌فرماید: « اینکه گفته می‌شود که کلینی به صحت تمام روایات کتابش شهادت داده است مردود است. (یعنی چنین ادعایی را کلینی درباره کتابش ندارد و این استنباط مدعیان از سخن کلینی است ) .» و در رد آن می‌فرماید:

« سئوال کننده از محمد بن یعقوب خواسته است که کتابی را تألیف کند که مشتمل بر آثار صادقین (ع) باشد و در آن شرط نکرده که روایات غیر صحیح را نقل نکند و یا روایات صحیحی از غیر صادقین (ع) را. » پس نمی‌توان ادعا نمود که پس

کلینی روایت غیر صحیح یا روایات صحیح از غیر صادقین (ع) را در کافی خود نیاورده است.<sup>۱۷</sup>

البته این موضوع از عظمت و شأن « کافی » نمی گاهد و به همین جهت است که علماء ، این کتاب را با عظمت یاد نموده اند .

برای کتاب الکافی شروع متعددی نوشته شده است از جمله آنها :

(۱) مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول - محمد باقر بن محمد تقی المجلسی .

(۲) شرح المرلی محمد صالح المازندرانی

(۳) الدر المنظوم من کلام المعصوم - شیخ علی بن محمد بن الحسن بن زین الدین

الشهید الثانی

(۴) جامع الاحادیث و الاقوال - شیخ قاسم بن محمد بن جواب بن الوندی

(۵) الشافی - شیخ جلیل بن الغازی القزوینی

از ویژگیهای کتاب کافی جامعیت آن است. به طوری که آن، جامع احادیث در تمام علوم عقاید و اخلاق و آداب و فقه است و تقسیم بندی مباحث نیز در سه عنوان یعنی « اصول الکافی » ، « فروع الکافی » و « روضه الکافی » مطرح گردیده است. این کتاب همچنین شامل ۱۶۱۹۹ حدیث و مشتمل بر، سی کتاب است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی



## توصیف خدا

### و مقایسه آن در « صحیح مسلم » و « کافی کلینی »

یکی از مسائل مهمی که در ادیان مختلف و مذاهب گوناگون مورد بحث و بررسی و اختلاف نظر بوده و به دیدگاه‌های متعددی منجر شده است، مسأله « چگونگی توصیف خدا » است. یعنی اینکه آیا اساساً خداوند قابل توصیف است یا نه؟ و اگر قابل توصیف است چگونه باید او را وصف کرد؟ آیا خداوند جسم است؟ آیا خداوند قابل رؤیت است؟ و سئوالات مختلف در این زمینه.

اساساً تعالیم حیات بخش اسلام در بحث « خداشناسی و توصیف خدا » موضوع را طوری مطرح می‌کند که با اصول اولیه عقلی موافق باشد و از بیان مطالب خلاف واقع و بی اساس و مخالف عقل پرهیز می‌کند. ولی متأسفانه در بعضی از متون به اصطلاح دینی و منابع حدیثی، چیزهایی مطرح می‌گردد که، با مبانی اصلی دین اسلام در تناقض آشکار و خلاف عقل است. در اینجا نگاهی به دو منبع حدیثی شیعه و سنی در بیان چگونگی توصیف خدا نگاهی کوتاه می‌کنیم و نهایتاً قضاوت را بر عهده خوانندگان و اندیشه و فهم و درایت آنان می‌گذاریم:

#### ۱) دیدگاه « کافی و کلینی »

یکی از ابوابی که در کتاب اصول کافی مرحوم کلینی به صورت مفصل به آن پرداخته بحث توحید است که با عنوان « کتاب التوحید » ارائه شده است. روایاتی که، در این کتاب مطرح گردیده عمدتاً با این اصل بیان شده است که خداوند تبارک و تعالی ذاتی است که از هر عیب و نقص و محدودیت و جهل دور است و به طور کلی هر آنچه که با ذات واجب الوجود بالذات در تناقض و تضاد باشد، ذات باری تعالی، منزّه و پاک از آن است. این کتاب (کتاب التوحید) مجموعاً بیست و چهار باب است که اکثر این ابواب تنزیه خداوند است از توصیفات که با ذات او منافات دارد و عقل از پذیرش آن اجتناب می‌کند، از طرفی با مبانی آیات قرآن کریم نیز موافق است بعضی از ابواب آن عبارتند از:

( ابطال رؤیت خدا ، نهی از توصیف خدا ، خدا را به جزء خدا نتوان شناخت ، نهی از جسم و صورت ، صفات ذاتی ، نهی از سخن گفتن خدا ، عرش و کرسی و ... )  
 برای تبیین مطلب به شاخصترین این بابها اشاره می شود :  
 الف) « النهی عن الصفة بغیر ما وصف به نفسه تعالی »

مرحوم کلینی در این باب مجموعاً دوازده حدیث را مطرح می کند که محتوای آنها به موضوعات زیر اشاره می کند :

- ۱- عدم توصیف خدا به شکل و رسم
- ۲- دعوت به خدانشناسی از راه قرآن
- ۳- نفی تشبیه خداوند
- ۴- محال بودن توصیف خدا به عظمتش
- ۵- توصیف خداوند به آنچه که خود او وصف کرده است .

در اولین حدیث این باب ، در جواب نامه ای که به امام صادق (ع) نوشته شده بود مبنی بر اینکه مردم عراق خداوند را به شکل و ترسیم وصف می کنند، از آن حضرت نقل شده است که مرقوم فرمودند: « فتعالی الله الذی لیس کمثله شیء و هو السميع البصیر. تعالی عما یصفه الواصفون المشبهون الله بخلقه المقفرون علی الله... »<sup>۱۸</sup>  
 همان طوری که ملاحظه می شود در این حدیث ، به آیه قرآن کریم استناد شده در اینکه چیزی مانند او نیست ( لیس کمثله شیء ) و از طرفی از تشبیه کردن خداوند نفی گردیده و اینکه نباید خدا را به شکل و رسم توصیف کرد.

در حدیث دوم نیز «وصف خداوند به محدودیت» مورد رد و انکار واقع گردیده و به آیه قرآن « لاتدرکه الابصار و هو یدرک الابصار... »<sup>۱۹</sup> استناد گردیده است. در این حدیث حضرت امام سجاد (ع) خطاب به اباحمره می فرماید :

« ان الله لا یوصف بمحدودیه عظم ربنا عن الصفة ، تکلیف یوصف بمحدودیه من لا یحد و لاتدرکه الابصار و هو یدرک الابصار و هو اللطیف الخبیر... »<sup>۲۰</sup>  
 باز از آن حضرت نقل شده است که، اگر همه اهل آسمان و زمین جمع بشوند خداوند را نمی توانند به عظمتش وصف نمایند.

« لواجتمع اهل السماء و الارض ان یصفوا الله بعظمه لم یقدروا »<sup>۲۱</sup>

البته در بعضی از روایات کافی تعبیر از خداوند به « شیء » جایز شمرده شده است و حتی در این مورد باب مستقلی تحت عنوان « اطلاق القول بانه شیء » آمده است. اما در روایات مربوط، چگونگی تصور به چیز بودن تبیین شده است تا مخالف عقل و آیات قرآن نباشد. برای نمونه به ذکر یک روایت اکتفا می شود.

« ابن ابی بخران می گوید : از امام جواد (ع) راجع به توحید سؤال کردم و گفتم : می توانم خدا را به چیزی تصور کنم ؟ فرمود : آری ، ولی چیزی که حقیقتش درک نمی شود و حدی ندارد؛ زیرا، هر چیزی که در خاطر آید خدا غیر او باشد، چیزی مانند او نیست و خاطرها آن را درک نمی کنند ...» در انتهای روایت امام جواد (ع) درباره اینکه خداوند را تا چه اندازه باید در خاطر وهم گذراند، می فرماید: « انما توهم شیء غیر معقول و لا محدود »<sup>۲۲</sup>

#### ب) « فی ابطال الرویه »

همان طوری که از عنوان این باب مشخص است کافی ، نه تنها در مجموعه افکارش، رؤیت و دیدن خدا را مطرح نمی کند، بلکه « عدم رؤیت خدا » را به عنوان یک اصل پذیرفته شده طرح کرده، و رؤیت خدا را با استدلهای قوی و محکم عقلی رد و باطل کرده است. در بعضی از این روایات برای اثبات مطلب به آیات قرآن کریم نیز استناد شده است. این باب در مجموع دوازده روایت دارد. در روایت اول خداوند تبارک و تعالی اجل از رؤیت معرفی شده است و در روایت دوم، هشتم، نهم ، دهم و یازدهم با استدلال به آیات قرآن کریم ، بر عدم رؤیت خداوند تأکید شده است و در روایت سوم ، چهارم، هفتم و دوازدهم با استدلال کامل بر عدم رؤیت خداوند دلیل آورده شده و در روایت پنجم و ششم نیز در چگونگی دیدار خداوند توسط دل باطن سخن به میان آمده و رؤیت با چشم ظاهری مردود شمرده شده است. در زیر به یک نمونه از روایات فوق الذکر اشاره می شود که بر این امر استدلال دارد، و توسط حضرت علی (ع) از زبان امام صادق (ع) نقل شده است :

« امام صادق (ع) فرمود : عالمی خدمت امیرالمؤمنین (ع) رسید و گفت : ای امیرمؤمنان ، پروردگارت را به هنگام پرستش دیده ای ؟ فرمود : وای بر تو ، من آن

نیستم که پروردگاری را که ندیده ام بپرستم. عرض کرد: چگونه او را دیده ای؟ فرمود: وای بر تو، دیدگان هنگام نظر افکندن، او را درک نکنند، ولی دلها با حقایق ایمان او را دیده اند.<sup>۲۳</sup>

علامه مجلسی در تبیین « حقایق الایمان » می فرماید:

« منظور از حقایق ایمان، عقاید عقلی ثابت و یقینی است که زوال و تغییر در آن راه ندارد... »<sup>۲۴</sup>

همچنین امام صادق (ع) در یک استدلال قوی و محکم دیدن خدا را با چشم ظاهری باطل می شمارد.

در روایت دیگری از امام موسی بن جعفر (ع) در رد جسمانیت خداوند استدلال می کند به اینکه « در صورت پذیرش جسمانیت خدا بایستی محدود بودن او را نیز بپذیریم. » و در برابر کسی که به این امر (جسمانیت خدا) اعتقاد داشت می فرماید: « خداوند او را بکشد، مگر نمی داند که جسم محدود است پناه می برم به خداوند و در حمایت او از این سخن بیزاری می جویم. نه جسمیت، نه صورت، نه محدودیت و هر چیزی جز او مخلوق است و به محض اراده و خواست او موجود می شود... »<sup>۲۵</sup> آن حضرت در روایت دیگری در برابر کسی که به جسمانیت خداوند معتقد بود و نیز اینکه شناخت خدا ضروری است، می فرماید:

« سبحان من لا يعلم احد کیف هو الا هو، لیس کمنله شی و هو السميع البصیر، لا یحد و لا یحس و لا یجس و لا تدرکه الا بصر و لا الحراس و لا یحیط به شی و لا جسم و لا صورة و لا تخطیط و لا تحدید »<sup>۲۶</sup>

همان گونه که واضح است، در این روایات با صراحت جسم بودن خداوند و صورت و شکل دانستن او مردود شمرده شده و با استدلال و گاهی با استفاده از آیاتی مثل (لیس کمنله شی و هو السميع البصیر) آن اعتقادات رد و باطل شده است.<sup>۲۷</sup>

## ۲- دیدگاه « صحیح مسلم »

مسلم بن حجاج در کتاب صحیح خود اولین عنوانی که تحت نام « کتاب » مطرح کرده و پیرامون آن روایات و احادیث را جمع نموده « کتاب الایمان » است

که ابواب متعددی را در موضوع ایمان به خدا مطرح کرده است. از جمله مباحثی که در این کتاب بحث شده « توحید و کیفیت توصیف خداوند » است.

با توجه به موضوع این نوشتار ، نگاه صحیح مسلم ، پیرامون کیفیت توصیف خداوند در باره ای مباحث با نگاه کافی کلینی فرق اساسی دارد. مبنای بحث صحیح مسلم در ارائه تصویری از خداوند ، توصیفی مادی است که در آن ، خدا موجودی مجسم و قابل رؤیت و دارای اعضا و جوارح و... ترسیم شده است. حتی در بررسی بعضی از ابواب این کتاب ، این موضوع به صراحت بیان شده است . از جمله ابوابی که در کتاب صحیح مسلم آمده است. عبارتند از: ( اثبات رؤیت الله سبحانه و تعالی ، رؤیة الله سبحانه و تعالی فی الآخرة ، معرفه طریق الرؤیة و اثبات رؤیة المؤمنین ربهم فی الآخرة و ... ) . در اینجا به بعضی از ابواب مهمی که در این جهت می تواند مورد استفاده واقع شود اشاره شده است.

#### الف) «اثبات رؤیة الله سبحانه و تعالی»

در این باب ، روایات متعددی در جهت اثبات رؤیت خداوند وارد و بیش از ده روایت مطرح شده است که در بعضی از آنها با صراحت به رؤیت خداوند و امکان آن اشاره شده و البته در بعضی از روایات ، رؤیت خداوند، به مؤمنین و آن هم فقط در آخرت اختصاص پیدا کرده است. برای نمونه در بعضی از آنها ، دیدن خداوند، به دیدن خورشیدی تشبیه گشته که ابری جلو آن را نگرفته باشد.

«ابوهریره نقل می کند : گروهی از رسول خدا (ص) سؤال نمودند : آیا خدا را در روز قیامت خواهیم دید ؟ ( هل نری ربنا یوم القیمة ) . پس پیامبر فرمودند : آیا در دیدن ماه شب چهاردهم شک و تردید می کنید؟ عرض کردند : نه یا رسول الله . سپس پیامبر فرمود: پس همانا شما نیز خدا را خواهید دید(همانند آفتاب و ماه ) ... » در ادامه این روایت کیفیت حضور خداوند در محشر بیان گردیده و آمده است : «سپس خداوند در غیر قیافه‌ای که او را می شناسند به میان آنان (امت پیامبر ) می آید و می گوید: من خدای شما هستم، می گویند: از تو بر خداوند پناه می بریم ، در اینجا می مانیم و هیچ حرکت نمی کنیم تا خدای ما بیاید و اگر او به میان ما بیاید

حتماً او را می شناسیم. سپس خداوند در قیافه ای که او را می شناسند به میانشان می آید و می گوید: من پروردگار شما هستم، می گویند: آری تو هستی خدای ما. آن گاه پشت سر خدا به راه می افتند سپس از وسط جهنم پلی کشیده می شود و از پیامبران اول کسی که امت خود را عبور می دهد من خواهم بود»<sup>۲۸</sup>.

همان طوری ملاحظه می شود در این روایت رؤیت خداوند، همچون رؤیت خورشید و ماه عنوان شده است. حتی خداوند را به دو قیافه و صورت خواهند دید که اولی قیافه غیر واقعی و دومی قیافه واقعی و اصلی او خواهد بود.

و از اینجاست که اکثر اهل سنت عقیده به رؤیت خداوند را اصل پذیرفته شده می دانند؛ زیرا منشأ چنین عقیده‌ای عمدتاً وجود این چنین روایات است. حتی بعضی از آنها اعتقاد به رؤیت را یکی از اصول و عقاید معرفی کرده و منکرین این عقیده را خارج از اسلام و جزو کفار دانسته‌اند و به دلیل همین روایات است که بدون توجه و تدبر و تفکر در استبعاد این موضوع، بسیاری از آیات قرآنی را تأویل کرده و معنای موافق با مضمون این احادیث ارائه نموده‌اند. همان گونه که فخر رازی در تفسیر آیه ۲۳ و ۲۴ سوره قیامت «وجوه یومئذ ناضره الی ربها ناظره» می نویسد: «بدان که همه اهل سنت در اثبات اینکه مؤمنان در روز قیامت، خدا را خواهند دید به این آیه تمسک کرده اند»<sup>۲۹</sup>.

در تفسیر المنار نیز آمده است: احمد بن حنبل، که یکی از ائمه چهار گانه اهل تسنن است، درباره رویت خداوند، مخالفین آن را خارج از حدود اسلام می داند.<sup>۳۰</sup> فاضل نووی می گوید:

«مذهب تمام اهل سنت این است که رؤیت خداوند عقلاً ممکن است و چیز محالی نیست و همچنین آنها اجماع کردند به اینکه این رویت در قیامت و فقط برای مؤمنین اتفاق خواهد افتاد.»<sup>۳۱</sup>

#### ب) تجسم خدا

علی رغم اینکه در صحیح مسلم پیرامون جسمانیت خداوند باب مستقلی نیست، ولی در مواردی این موضوع قابل مشاهده است؛ چون روایات مختلفی نقل شده است که خداوند دارای اعضا و جوارح است.

در بعضی از این نوع روایات ، برای خداوند ، صورتی همچون صورت انسان مطرح گزیده است. ابو هریره از پیامبر اکرم (ص) نقل می کند که آن حضرت فرمود : « وقتی یکی از شما با برادرش نزاع و خصامه می کند ، از سیلی و لطمه زدن به صورت وی ، خودداری نماید؛ زیرا ، خداوند ، انسان را به صورت خودش آفریده است. »<sup>۳۲</sup>

در حدیث دیگری می خوانیم که خداوند دارای انگشت است .

« عبدالله بن مسعود نقل می کند که ، روزی یکی از علمای یهود به حضور پیامبر شرفیاب گردید و سؤال کرد: یا محمد! (ما در تورات می یابیم ) که خداوند در روز قیامت هر کدام از آسمانها ، زمینها ، کوهها ، درختان و آب و خاک و سایر مخلوقات را بر یک انگشت خود بر می دارد و سپس می گوید : منم مالک و سلطان واقعی همه موجودات . سپس پیامبر (ص) خندید، در حالی که گفته یهودی را تصدیق و تأیید می کرد .... »<sup>۳۳</sup>

از جمله روایاتی که بر جسمانیت خداوند در صحیح مسلم دلالت روشنی دارد ، روایاتی هستند که حتی در آنها سخن از « قرار گرفتن خداوند پهلو ی انسان» به میان آمده است؛ یعنی این گونه روایات در کتاب صحیح مسلم ، خداوند را با بندگانش دوش به دوش و پهلو به پهلو قرار می دهند.

مسلم در صحیح خود از صفوان بن محرز نقل می کند که ، روزی مردی از عبدالله بن عمر پرسید: (یا ابن عمر) آیا در مورد نجوا ( در گوشی حرف زدن خدا با بنده اش) مطلبی از رسول خدا شنیده ای ؟ در جواب گفت : آری شنیدم که پیامبر فرمود : در روز قیامت ، بنده مؤمن آن چنان به پروردگارش نزدیک می شود که با خدا پهلو ی هم قرار می گیرد . « یدنی المومن یوم القیامه من ربه عزوجل حتی یضع علیه کفنه .... »<sup>۳۴</sup>

در روایات دیگری از این کتاب ، خدای معرفی شده، خدایی است که نیازمند مکان است و نقل و انتقال می یابد و نهایتاً "اینکه چنین خدایی، همچون انسان از بعضی کارها متعجب می شود و شروع به خندیدن می کند . مسلم در حدیثی از ابوهریره نقل می کند: « خداوند به دو نفر می خندند، « یضحک الله الی رجلین » که یکی آن دیگری

را بکشد و هر دو داخل بهشت گردند. عرضه داشتند: یا رسول الله چگونه ممکن است؟ فرمود: یکی از آن دو در راه خدا جنگ می‌کند و به شهادت می‌رسد، سپس قاتل توبه نموده و اسلام می‌آورد و در راه خداوند جهاد و مقاتله می‌کند و او نیز به شهادت نائل می‌گردد. «<sup>۳۵</sup>

### نتیجه گیری

با توجه به اینکه هدف این نوشتار بیان جایگاه دو کتاب حدیثی «صحیح مسلم» و «کافی کلینی» و مقایسه یک موضوع اعتقادی یعنی «توصیف خدا» بین احادیث این دو منبع حدیثی است، می‌توان نتیجه گرفت که در موضوع یاد شده دو دیدگاه کاملاً متفاوت مطرح گردیده و روایات وارد شده در بسیاری از موارد، در نکته مقابل هم قرار دارند و در حقیقت کتاب کافی و روایات آن، خداوند را از هر عیب و نقص و تشبیه و ترسیم عاری می‌داند و او را در مرتبه خداوند حفظ می‌کند و شأن و منزلت و جایگاه خداوند را در حد موجود مادی و مخلوق پایین نمی‌آورد. در حالی که روایات صحیح مسلم خالق هستی را تشبیه به انسان تشبیه می‌کند که و همچون او دارای اعضا و جوارح است و همانند او تحت تأثیر حوادث قرار می‌گیرد و متعجب و خندان می‌گردد که یقیناً این مسئله با ذات واجب الوجود بالذات منافات دارد و او را محدود می‌کند. همین مسأله با آیات قرآنی نیز در تضاد است؛ چون قرآن کریم خداوند و خالق هستی را از هر عیب و نقص و محدودیت منزّه و پاک معرفی می‌کند.



## یادداشتها

- ۱- کشف الظنون ۶۴۱/۱.
- ۲- صحیح مسلم بشرح النووی ۱۴/۱.
- ۳- بررسی رجال صحیحین ۷۴-۷۵. ترجمه «صحیح مسلم دارای رتبه علمی عالی است، زمانی که این ستاره اوج می گیرد، برتریا هم برتری دارد. الفاظ این کتاب مانند شکوفه های منور و شبنمهای شفاف در باغها و گلزارهاست که باران رحمت و ابرهای متحرک، آنها را آبیاری نموده و به وجود آورده است و اما معانی آنها به خورشیدی می ماند که از زیر ابر پاییزی پرتو می افکند، بر خداوند است که دولت علمی و معنوی این امام را پایدار و همت والایش را والاتر گرداند و رضوان از خدایش نصیبش باد؛ زیرا که تلاش علمی اش به آخرین درجه رسیده است.
- ۴- علوم الحدیث و مصطلحه ۵۱/.
- ۵- دانش رجال از دیدگاه اهل سنت / ۲۰۳.
- ۶- صحیح مسلم بشرح التودی ۱۹/۱.
- ۷- صحیح مسلم بشرح النووی ۱۶/۱.
- ۸- بررسی رجال صحیحین / ۸۲-۸۳.
- ۹- بررسی رجال صحیحین / ۸۳. به نقل مقدمه فتح الباری.
- ۱۰- همان / ۸۲.
- ۱۱- روایه الحدیث و درایه الحدیث/ ۷۶. ترجمه: کتاب کافی، شیعیان ما را بس است.
- ۱۲- معجم رجال الحدیث/ ۸۷/۱.
- ۱۳- علم الحدیث و درایه الحدیث/ ۷۶.
- ۱۴- کتاب الوافی/ ۷۶/۱.
- ۱۵- اصول کافی ۲۷/۱/ بنقل از مستدرک الوسائل/ ۳/ ۵۳۲.
- ۱۶- مستدرک الوسائل/ ۲۹/۱.
- ۱۷- معجم الرجال / ۸۹/۱.
- ۱۸- اصول کافی ۱۳۵/۱. ترجمه: « خداوند برتر است، آن خدایی که چیزی مانند او نیست و شتوا و بینا است. برتر است از آنچه توصیف کنند توصیف کنندگان و تشبیه کنند تشبیه کنندگان به خلقتش و بر او تهمت زنند... ».
- ۱۹- انعام - ۱۰۳.
- ۲۰- اصول کافی ۱۳۵/۱.
- ۲۱- همان / ۱۳۷/۱.
- ۲۲- همان / ۱۰۹/۱.
- ۲۳- اصول کافی ۱۳۱/۱.
- ۲۴- مراه العقول / ۱ / ۳۳۷.

- ۲۵- همان / ۱ / ۱۲۴ .
- ۲۶- همان / ۱ / ۱۴۰ . ترجمه : « منزله و پاک است خدا ، آنکه کسی جزا و نداند که او چگونه است ، خیری مانندش نیست و او شنوا و بیناست . محدود نگردد ، به حس در نیاید ، جستجو نشود ، حواس در کش نکنند ، چیزی بر او احاطه نکند نه جسم است و نه در صورت و نه در ترسیم و نه محدود . »
- ۲۷- سوره شوری - آیه ۱۱ .
- ۲۸- صحیح مسلم بشرح النووی / ۱۷/۳ - ۲۵ .
- ۲۹- التفسیر الکبیر / ۲۲۶/۳۰ .
- ۳۰- المنار / ۱۳۵/۹ .
- ۳۱- صحیح مسلم بشرح النووی / ۱۵/۳ .
- ۳۲- همان / ۱۶/۱۶۵ و ۱۶۶ .
- ۳۳- همان / ۱۷/ ۱۲۹ .
- ۳۴- همان / ۱۷/ ۸۶-۸۷ .
- ۳۵- همان / ۱۳/ ۳۶ .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه مصطفوی، سید جواد- دفتر نشر فرهنگ اهل بیت (ع)
- ۳- صباغی، یوسف؛ بررسی رجال صحیحین - چاپ اول ۱۳۷۲.
- ۴- رضا، محمد رشید؛ تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار) - دارالمعرفه - چاپ دوم.
- ۵- رازی فخرالدین؛ التفسیر الکبیر - دارالکتب العلمیه طهران - چاپ دوم.
- ۶- جدیدی نژاد، محمد رضا؛ دانش رجال از دیدگاه اهل سنت- سازمان چاپ و نشر دارالحدیث - چاپ اول ۱۳۸۱
- ۷- سبحانی، جعفر؛ راه خداشناسی و شناخت صفات او- مکتب اسلام قم - ۱۳۷۵
- ۸- مدیر شانه چی، کاظم، روایه الحدیث و درایه الحدیث- دفتر انتشارات اسلامی- چاپ ۱۱ - ۱۳۷۵
- ۹- میرخانی، سید احمد؛ سیر حدیث در اسلام - انتشارات گنجینه - چاپ دوم - ۱۳۶۱
- ۱۰- نجمی، محمد صادق، سیری در صحیحین \_\_\_\_\_
- ۱۱- النووی، محمد بن جمعه؛ صحیح مسلم بشرح النووی- دارالکتب العربی بیروت - چاپ چهارم - ۱۴۰۷ق
- ۱۲- قربانی، زین العابدین؛ علم حدیث و نقش آن در شناخت و تهذیب حدیث- ناشر امام عصر (عج) - چاپ اول.
- ۱۳- صبحی، صالح؛ علوم حدیث و مصطلح - منشورات الرضی قم - چاپ پنجم- ۱۳۶۳.
- ۱۴- دادبه، اصغر؛ فخررازی - انتشارات طرح نو - چاپ اول.
- ۱۵- خرمشاهی، بهاء الدین؛ قرآن پژوهی- انتشارات ناهید- چاپ سوم - ۱۳۷۶.

- ۱۶- فیض کاشانی ، محمدحسن؛ کتاب الوافی - منشورات مکتبه الامام امیر المؤمنین اصفهان- چاپ اول - ۱۳۶۵.
- ۱۷- ابن عبدالله (مشهور به حاجی خلیفه و کاتب چلبی) مصطفی؛ کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفتون - دار احیاء التراث العربی - بیروت .
- ۱۸- مجلسی، محمدباقر؛ مرآه العقول فی شرح اخبار آل رسول- دارالکتب الاسلامیه- چاپ دوم-۱۳۵۳
- ۱۹- نوری ، میرزا حسن؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل - مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث قم - چاپ اول
- ۲۰- موسوی خوئی ، سید ابوالقاسم؛ معجم رجال الحدیث - منشورات مدینه العلم بیروت - چاپ سوم -۱۴۰۳ق



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی